

دکتر معصومی: کار تحقیق در مقیاس آزمایشگاهی است، کار اجرا در مقیاس اجرایی، امکان کاربرد نتایج تحقیقات را ندارد، چون در کار تحقیقاتی همه چیز قابل کنترل است، ولی در کار اجرا تاثیر عوامل مختلف امکان تحت کنترل درآوردن همه عوامل نیست. تاثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی روستائیان، نبود هیچ در آمدی در مناطق روستاها زمینه فشار و دست اندازی به مراتع را فراهم کرده است. موضوع جمع اوری بذر بلوط و صادر کردن قبلا مطرح نبود. افزودن به جمعیت دام برای دستیابی به درآمد بیشتر. علم و دانش شناخت از مرتع در ایران کم نیست، ولی وقتی سازمان اجرایی با مسائلی در اجرا مواجه می شود که عمدتا ناشی از فشار بهره بردارانی که تکیه آنها بر منابع طبیعی است. اگر پیشرفته ترین علم مرتع هم در اختیار باشد، تحت شرایط مراتع ایران شکوفا نمی شود حتی یک بذر نمی توان سبز و مستقر نمود. چون فشار بهره برداری بیش از حد است. تحقیقات به وظایف خود عمل کرده است سازمان جنگلها هم کار خود را انجام داده است. ولی هر دستگاهی به تناسب حوزه کاری خود به مراتع تجاوز کرده است. خطوط انتقال نیرو، جاده ها، راههای عشایری که جایگزین راههای مالرو قبلی شده است این دخالتها تعادل سیستم مرتع را به هم زده است. باید از نگاه درون بخشی بیرون مشکل ما خارج از سازمان جنگلها است باید در آنجا حل مشکل را جستجو کرد. امروز دنیا مرتع را محل تامین علوفه نمی داند، مسائل تنوع زیستی و ترسیب کربن،

دکتر رزاقی: تحقیقات آزمایشگاهی یک واقعیت است. مثال جنگل خیرود کنار یک جنگل آزمایشگاهی دانشگاه مشکل ۱۵ خانوار را نتوانست در این جنگل که در اختیارش است حل کند و متوسل به سازمان جنگل شده است. مثال هندوستان که در سطح یک ایستگاه ۱۵ نوع شغل ایجاد کرده است. اصلا مشکل فنی نداریم. مشکل این است که می دانیم چه گیاهی، چه موقعی بکاریم ولی نمی توانیم نگهداریم. هرچه میکاریم از بین می برند. مثال جنگلکاری سد لتیان که ۸۰ درصد آنرا از بین برده اند. کشت نهال در عرصه ای که مرتع دام روستایی است به دلیل نگرانی مردم از دست دادن مرتع نهالها را توسط فرزندانیشان ریشه کن کرده اند. حفاظت بدون مردم امکان پذیر نیست. آمار رسمی سالی دو میلیون هکتار تخریب می شود. با خروج دام از جنگل و خروج جنگل نشینان تخریب بیشتر شده است. مردم راهنمای قاچاقچیان چوب شده اند. مردم حافظ منافع خودشان هستند. پرسنل دولتی تا ساعت اداری هستند مردم این را می دانند بعد از آن ساعت تخلف و تخریب شروع می شوند. با نیروهای دولتی نمی توان از منابع طبیعی حفاظت کرد.

دکتر باغستانی:

چرا به این حرفها عمل نمی شود این مشکل سالهای طولانی این مباحث مطرح می شود.

دکتر معصومی:

ما مرتع را با ارزشهای خاص خود در اختیار روستائیان قرار داده ایم که افسار کار مرتع را در دست دارند که تمام مرتع را از بین می برند و مدیریت دست آنها است. نگاه دوم اینکه سازمان متولی وجود دارد و باید مرتع را نظارت و پایش کند. باید در کنوانسیون های بین المللی که متولی حفاظت و حراست گزارش کار با مجامع بین المللی بدهد. نخست این که دولت متولی است. نگاه دوم اینکه مردم هستند و هرچه می خواهند انجام می دهند. بعد از ملی شدن سالهای سال تقابل بین دولت و بهره برداران مطرح است. به نظر می رسد تعامل بین مردم و دولت باید با قوت پیگیری شود. اگر راهی برای گذراندن چرخ زندگی مردم بدست آورد می توان به از بین رفتن فشار و تخریب بر منابع طبیعی امیدوار بود. مشکلات همان مشکلات سی سال قبل است. سی سال قبل مشکل شهرک سازی به این ابعاد نبوده است. توسعه ساخت و ساز و بهره برداری از معادن همه از عرصه منابع طبیعی است. اینها نوپدید هستند. نباید درون بخشی به مسئله نگاه کرد.

برای شهر نشینان یک ضوابط و مقرراتی اعمال و مردم با آن سازگاری نسبی پیدا کرده اند. ولی مردمی که در روستاها هستند چی به آنها داده ایم چه شناختی از آنها داریم. او هیچ قیودات شهرنشینی را ندارد. نه عوارض نوسازی دارد، نه مشکل ترافیک و پارک ماشین دارد، باید زمینه را برای رشد و

ارتقاء آنها فراهم کرد. مسولیت دادن به مردم و هزینه کرد بخشی از اعتبارات به دست مردم. آنها به کارکنان منابع طبیعی با خوشبینی نگاه نمی کنند. ما نتوانسته ایم منابع طبیعی را پایش کنیم. کلاسهای کلیشه ای و آموزشهای کلیشه ای کارگشا نیست.